



قاتلی که بدولت رشوه میدهد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

عصر جمعه در گردشگاهی با بچه‌ها قدم میزدیم. در هر قدمی صمی و در هر گامی دلارامی، هر مطیعی در طریق مطاعی و هر متاعی در انتظار تنخواهی، هر طالبی دنبال مطلوبی و هر راغبی در جستجوی مرغوبی بود.

روی خوش بعضی را بوی ناخوش بعضی دیگر که در حوالی رودخانه تولید مثل کرده یا با اصطلاح خودشان کنار آب رفته بودند در خود مستهلك کرده بود.

در هر گوشه‌ای شیشه‌ای و دور شیشه‌ها دسته‌ای به ریشه خود تیشه میزدند. خورده‌ها که جای خود داشتند، نخورده‌ها هم بطور مساعد و علی‌الحساب زمزمه و عربده میکردند.

در چشم انداز اطراف، يك نانوائی و چندین عرق فروشی بود گوئی از افق دور
سیمای شهر پیدا است که تعداد عمده فروشی و پیا له فروشی و کلوب و کاباره بر مسجد و مدرسه
و کانون و کتابخانه فزونی دارد .

در این حیص و بیص چند تن از برادران سببی و تزدیگان ادبی رسیدند و با اصرار
تمام مارا بطرف شمال رودخانه که خلوت و آرامتر بود کشیدند .

سنگی مرتفع و خلقی مجتمع دیدم، پیری بالای سنگ نشسته دهانش بی نهایت
باز و سبیلش بغایت دراز ، صورتی پهن ، دماغی کوتاه ، ریشی سفید و روئی سیاه عصائی
در دست و کتابی در کنار، خر قه ای برس و خلقانی در بر، گفتاری شیرین و زبانی آتشین
داشت. در هر کلامش مقالی و در هر سخنی مجالی بود چون شمع میان آب دیده و آتش
سینه جمع میکرد .

من باینجای مطلب رسیدم که میگفت : البته هر سنگی گوهر و هر آهنی حسام،
هر موزونی شعر و هر حرفی کلام نیست، و قتی که گوینده صحیح را از سقیم و قویم را از رمیم
باز شناسد، شجر را از ثمر تشخیص دهد، آنچه در شهر خود گم کرده است در برزن دیگران
نجوید، جو خود را نایافته ارزن این و آن نطلبند، نه فضولان باطل دوست به گفتارش خنده
میزند و نه دانشمندان سخن سنج به ضیاع عمرش متاسف میشوند، کسیکه سخن را با موازین
خرد و نوامیس طبیعت و اصول اجتماع بسنجد و گفتارش متکی ب فکر صحیح باشد چون
فکر صحیح از کوش صادق ضمیر است با اصول منطقی منطبق میگردد و نتیجه صحیحه
میدهد اعم از اینکه خرد باشد یا کلان پیر باشد یا جوان، ولی اگر سخن گوینده آلوده
باغراض مادیه و شخصیه و یا مولود هوای نفس باشد جز در پرورشگاه خود (یعنی فضای
نفس) در جای دیگر طنین نمی اندازد. يك نفس گفت و گفت و گفت و با بیان خود عنان
قالب و زمام قلب ما را بدست آورد .

در مجاورت آن هیاهوی بلالی ها و گرد و فروشان محیط کوچکی را کاملاً ساکت
و آرام و چنان متوجه کرده بود که شنونده تا پایان هر عبارت نفس را ضبط میکرد، در این

بین جوانی آراسته ولی پریشان و نفس‌زنان آمد جمعیت را شکافت بطرف پیرمرد رفت و چیزی فراگوشش خواند که کلامش قطع و حالش دگرگون شد از ما معذرت خواستند و رفتند .

کسیکه در نزدیکی استراق سمع کرده بود گفت یکی از مشاهیر عاقبت بخیر شده و در حال مستی در خانه فاحشه‌ای سکنه کرده که پدر آن جوان و آشنای این پیراست . این خبر شرم‌آور در بعضی اثری عمیق داشت ، واقعاً مفتضح است که کسی دور از پدر و مادر، دور از خانه و خانواده، آنهم در خانه زن هرزه‌گردی فوت کند .

صورت ذهنیه این قباحت و رسوائی در نظرم مجسم بود و بیاد این حکایت افتادم که غزالی طوسی در یکی از تألیفات خود میگوید :

« یکی از ملوک پسر خویش را زن داده بود و پسر شب قبل از عروسی شراب خورد. و مست شده و بطلب عروس بیرون آمد قصد حجره کرد و بفلط از سرای بیرون افتاد، همچنین رفت تا بخانه‌ای رسید و چراغی دید پنداشت که خانه عروس باز یافته داخل شد قومی را دید خفته، هر چند آواز داد جوابی نشنید، پنداشت که در خوابند یکی را در چادر نو دید گفت این عروس است، در برش بخت و چادرش باز کرد بوی خوش بدماغش رسید ، گفت بی شک عروس است که بوی خوش میدهد، تاروز باوی مباشرت کرد زبان در دهانش داشت و رطوبت از وی به وی میرسید، خیال میکرد تعارفش میکند. چون روز برآمد و هشیار شد و نگاه کرد آن گورستان گبرگان بود و آن خفتگان مردمان و آنکه چادر نو داشت پیرزنی بود زشت که در آن نزدیکی مرده بود و بوی خوش از سدرو کافور حنوطش میآمده و آن رطوبتها نجاست‌های وی بوده است .

چون نگاه کرد هفت اندام خویش در نجاست دید و در گلو و دهان خود از آب دهان وی تلخی و ناخوشی یافت نزدیک بود از رسوائی و آلودگی بمیرد، تا در این اندیشه بود محتشمان لشکر با تفاق پادشاه عقبش می‌گشتند آمدند و او را در آن حال دیدند شاهزاده میخواست بزمین فرورود و از آن فضیحت برهد.

توسعه مصرف مشروبات الکلی بسیار قابل توجه است و مطالعه افزایش این بلای خانمانسوز انسان را دچار وحشت میسازد . ولی آسیب دیدگان این قاتل حقیقی بسکوت و خاموشی میگذرانند و از اثر می‌رنجند و بعلت کاری ندارند .

رانندگان مست با اتوموبیل شخصی و کرایه آمدوشد می‌کنند صدمه میخورند، صدمه میزنند مجروح میکنند و مجروح میشوند، میکشند و کشته میشوند پسرها را بی‌پدر زنها را بی‌شوهر میکنند، یکی زنش را خفه میکند، یکی برای رفیقش چاقو میکشد، یکی هم که عاقبت بخیر شده در دامن زنان ولگرد سکنه میکند.

این ضایعات اخلاقی که معلول میگساری و علت انحطاط قوای معنوی است مانند موربانه خانمانرا خراب میکند و مثل میکرب سل پیکر اجتماع را میخورد فقط فنای مقتولین جلب توجه میکند و بقای قاتل اصلی مورد توجه نیست.

این قاتل بعنوان رسومات رشوه میدهد و با پول دولتها را نرم میکند.

احصائیه‌ای که دکتر بودران منتشر کرده حکایت میکند که در هر جا سالیانه معادل نفری دوازده لیتر الکل مصرف شده سی تا چهل نفر از هر ده هزار نفر بمرض سل مرده و هر جا که مصرف سالیانه به نفری هیجده لیتر رسیده عده متوفیات مسلول تاهفتاد وهشتاد بالا رفته و ثابت میکند که الکل بستر مسلولین را گسترده است.

بنا به تحقیقاتی که شده در مریضخانه‌ها هشتاد درصد مسلولین را، در زندانها هفتاد درصد سارقین، و در فاحشه خانه‌ها نود و هفت درصد زنان هر جائی را میخواران تشکیل داده‌اند ولی سالیانه مبلغ معتنا بهی برای دولتها عایدی دارد.

وقتی يك روز نامه آلمانی آمار میدهد که سالیانه هشتاد و دو میلیون بطری مشروب الکلی مصرف شده است، و قتیکه در انگلستان فقط سالیانه نهصد و نه میلیون گالون آبجو مصرف میشود قتیکه فرانسه میگوید از ۵۰ تا ۸۰ درصد جوانان گرفتار الکلیسم شده‌اند در کانادا هفتاد درصد گرفتارند و در چکسلواکی ۷۰۰ میلیون دلار صرف نوشابه الکلی شده، در آمریکا پنج میلیون بحد افراط مشروب میخورند و بالغ بر هفتاد میلیون نفر بطور عادی و متوسط مصرف میکنند در آلمان شراب را بجای آب مینوشند و جزء ضروریات زندگی شده است در ترکیه ۷۱۳۴۰۰۰ گالون آبجو مصرف میشود وقتی که درآمد اداره رسومات به سالی شصت میلیون تومان رسیده است هیچ تعجب

ندارد که در آمریکا در سال ۱۹۶۵ ۵۸۰۰۰۰ نفر در اثر مستی مرتکب جنحه و جنایت شده باشند.

درفرانسه ۱۹۵۲۰۰ نفر قربانی الکل شده باشند در آلمان سالیانه ۱۵۰/۰۰۰ نفر مجرم ناشی از مستی بدادگاه فرستاده باشند، در آمریکا پانصد هزار نفر فاحشه رسمی باشد و در فرانسه قبل از جنگ اول نیم میلیون داشته و اکنون ترقی کرده است و در ژاپن ۱۲۰/۰۰۰ نفر فاحشه در شانزده هزار فاحشه خانه و چهارصد هزار نفر فاحشه در اماکن عمومی و خیابانها متمرکز شده اند.

در آلمان بجائی رسیده که سالی دو بیست هزار کودک نامشروع تحویل میدهد. هیچ تعجب ندارد زیرا مسکراعتبار و وقار انسان را می برد، دل و دیده و زبان را بر ناشایسته میگمارد، الکلام الخبائث و ریشه اغلب مفاسد و فجایع است رسوائی و فضیحت، جنون و جنایت، ضعف و مرض مرگ و میر ملازمین رکاب الکلیسم و بافواصل مختلفی دنبال آنند.

علماء و محققین اجتماعی معتقدند که قانون تنازع بقا قانون ابدی خلقت است و همیشه قدرت و زور خواه از نوع اخلاقی باشد یا مادی خواه نماینده قانون و فکر باشد یا مذهب و اسلحه در هر حال بصورت بزرگترین فرمانروای عالم خواهد بود و فقط ترقی بزرگی که از تمدن میتوان انتظار داشت این است که قدرت اخلاق و شرافت را جانشین قدرت ماده و اسلحه کند

حالا بیائید احصائیه میخانهها، را، آمار چاقو کشی خود کشی قتلهای عمد و غیر عمد و سایر جنایات را نسبت به گذشته تطبیق و مقایسه کنید تا بدانید که در تحصیل و تأمین قدرت اخلاق و شرافت تا چه اندازه سعی معکوس شده و چگونه وقتی پای پول و عایدی در کار باشد همه دولت ها رضایت میدهند و به این حرفها اعتنا نمیکنند.